

## بسم الله الرحمن الرحيم!

آن چه را که شعار «مرگ بر امریکا و اسرائیل» در آستین دارد!

(ترجمه)

غرب و مزدوران اش، کسانی که دیوانه‌وار تمدن غربی را دنبال می‌کنند، تلاش دارند تا برخی از مفاهیم و حقایق شرعی را از اذهان امت پاک سازند. آن دسته از مفاهیمی که ریشه در ایمان امت داشته و در میدان زندگی، عامل موفقیت آن می‌باشد. مفاهیمی که امت در روشنی درک آن از شریعت، بر مقتضای خواسته‌ی الله سبحانه و تعالی عمل نماید. اما غرب و مزدوران اش با تمام توان تلاش دارند تا درک امت از شریعت را به انحراف کشانده، حقایق را نابود سازند، تا این که امت اسلامی هم‌چنان در حالت سرگشته‌گی و سردرگمی قرار داشته و همان طوری که بیگانه‌گان می‌خواهند، هم‌سو با تمدن غربی و دیدگاه آن‌ها در خصوص زندگی، تفکر و برداشتی از اسلام داشته باشند.

از جمله مفاهیم و حقایقی که غرب سعی دارد آن‌ها را از اذهان امت پاک سازد، مفهوم جهاد است. غرب برای این کار بعضی از مزدوران اش را گماشته است که در فریب کاری و گمراه‌گری از مهارت بالای برخوردارند. این‌ها اصطلاحاتی؛ مانند: مقاومت و ممانعت را جای‌گزین اصطلاح جهاد می‌نمایند؛ درحالی که بین مقصود شریعت از جهادی که الله سبحانه و تعالی امت را بدان مأمور ساخته و عبارت از پیکار با کفار برای اعلای کلمه‌الله و بیرون ساختن اشغال‌گران و پاک‌سازی سرزمین‌های اسلامی از وجودشان می‌باشد و بین مقصود مقاومت و ممانعت، فرق بسیاری وجود دارد؛ زیرا مقصود از آن، مطلقاً از میان برداشتن کامل اشغال نمی‌باشد. اصطلاح مقاومت و ممانعت بیان‌گر بیرون راندن رژیم یهود از سرزمین مبارک فلسطین نیست؛ بلکه بیان‌گر نداشتن روابط عادی با آن و جلوگیری آن از گرفتن سرزمین‌های بیش‌تر اسلامی می‌باشد. چنان‌چه تمام گروه‌های مسلح، منظوم گروه‌های اسلامی است، در به‌کارگیری این اصطلاحات راضی می‌باشند؛ زیرا می‌خواهند غرب و سازمان‌های حقوق بشری نگویند که فلان گروه، ندای جهاد را سرداده -اصطلاح شرعی، قرآنی و مبتنی بر منهج نبوت- گروهی تندرو دینی و بنیادگرا می‌باشند که بر هم‌زیستی با دیگران باور ندارند.

درحالی که چنین واقعیتی در ذات خود یک شکست بزرگ می‌باشد. کسی که برای راضی ساختن غرب و همگام شدن با آن، از مفاهیم شرعی که کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول اش صلی‌الله‌علیه‌وسلم به آن‌ها صراحت دارد، کوتاه آمده و اصطلاحاتی را به کار گیرد که معنای شرعی را به طور کامل آن ارائه نمی‌کند، وی پیش از پیش یک بازنده می‌باشد، هرچند که فریاد قهرمانی سردهد.

کاری را که ایران از همان ابتدای تأسیس نظام جمهوری غربی در این سرزمین می‌کند، این است که شعار: "مرگ بر امریکا و اسرائیل" را سرداده و در میان تمام گروه‌ها و احزاب وابسته به خود برایش فضاء سازی می‌کند. درحالی که این شعار به گونه‌ی تصادفی و یا برگرفته شده از حسن نیت نیست؛ بلکه شعاری می‌باشد که آگاهانه ساخته شده است، تا این که از اقدامات صحیح علیه رژیم یهود و هر استعمارگر و بیگانه‌ی دیگر در سرزمین‌های اسلامی، دیدگاه و توجه‌ی امت را منحرف سازد. باجودی که این‌ها؛ مخصوصاً حوثی‌ها در یمن ادعا دارند مسیر و شعارشان قرآنی می‌باشد؛ درحالی که هرگز نمی‌توانند برای درستی این ادعای خویش کدام برهانی ارائه دارند، درست این می‌بود شعاری ارائه می‌دادند که موقف شرعی و عملی‌شان را بیان می‌نمود. آیا در

صورت اشغال سرزمین‌های اسلامی توسط کفار مقتضای شریعت از مسلمانان، جهاد شرعی که عبارت از پیکار با کفار، دفع اشغال و استعمار می‌باشد، نیست؟! مرگ گفتن هیچ آبی را در جوی نکرده و هرگز بیان‌گر موقف شرعی عملی نیست؛ بلکه اذهان را مخشوش ساخته و موقف شرعی و عملی را از محتوای آن جدا می‌سازد. این‌ها در شعارهای خویش چرا این عبارت: "جهاد علیه امریکا و اسرائیل" را به کار نمی‌برند؟! اگر ادعا دارند که عمل‌کردشان مبتنی بر اسلام و مفاهیم قرآنی است. در پاسخ باید گفت چرا چنین نکنند؛ درحالی‌که برخی از مقامات ایرانی و فرماندهان این گروه‌ها اظهار داشتند که آن‌چه را سر می‌دهند؛ فقط یک شعار بوده به معنای اعلان جهاد نیست و کدام آمریکائی و یا اسرائیلی را نکشته است.

این درحالی‌می‌باشد که این‌ها، در سوریه، یمن و عراق با مسلمانان پیکار می‌کنند، از اثر بسیار به‌کارگیری اصطلاح جهاد، گوش‌های‌مان را ناشنوا ساخته و بی‌شرمانه از این اصطلاح علیه بعضی از مسلمانانی استفاده می‌کنند که با آنان به پیکار خاسته‌اند. با وجودی‌که علیه امریکا و رژیم یهود شعار سر می‌دهند، جرأت استفاده از این اصطلاح را ندارند.

علاوه‌براین، اگر در پیامی‌که این شعار: "مرگ بر امریکا و مرگ بر (اسرائیل)" با خود ارائه می‌دارد، تعمق نمائیم، خواهیم دید که این‌ها بدین‌وسیله دو دولت را توصیف می‌نمایند، دولت امریکا را عنوان کرده و سپس مرگ‌باد را نثارش می‌کنند و به تعقیب آن اسرائیل را هم‌طراز امریکا قرار داده و منظورشان از شعار: "مرگ بر اسرائیل" دولت اسرائیل می‌باشد.

ارایه این شعار به معنای به رسمیت شناختن رژیم غاصب یهود است. این شعار دهندگان به این وسیله می‌گویند، در واقع این رژیم به سان امریکا یک دولت قانونی می‌باشد. اگر از باب مجادله بپذیریم که این رژیم در ظاهر یک دولت به نظر می‌آید، هرگز نمی‌توانیم این واقعیت را نادیده بگیریم که این دولت در واقع یک دولت غیر قانونی است که بر پاره‌ی غصب شده‌ای از سرزمین‌های اسلامی؛ یعنی فلسطین، تأسیس شده است. جا داشت برای خودداری از مشروعیت بخشیدن به این اصطلاح، کلمه (اسرائیل) در میان دو قوس قرار داده و برای مسلمانان منفور جلوه داده می‌شد. درحالی‌که بهتر این است گفته شود، رژیم یهود در اسرائیل یک دولت واقعی نبوده و بیش‌تر شبیه یک تنظیم نظامی می‌باشد که وجود و قدرت آن در گرو غرب و در رأس آن امریکا می‌باشد.

در اخیر: خطاب بر کسانی‌که برای‌شان این شعار تبدیل به یک ضرورت عادت‌ی شده و به شکل گروهی، به بهانه اظهار بی‌زاری از کفار، در مساجد، در اخیر هر خطابه همراه خطیب‌ها، فریادزنان این شعار را سرمی‌دهند، گویا در قرآن کریم آیاتی را نمی‌یابند که به تلاوت آن بی‌زاری‌شان را از کفار اظهار کنند؟! و یا این‌که می‌خواهند برای امت شیوه دیگر بی‌زاری از کفار را بیاموزانند و یا می‌خواهند شعار مکرر خویش را وجیه‌ای قرار دهند که دوست‌دار و بی‌زار کفار را از هم جدا سازد؟ با آن‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، اهل بیت‌اش علیهم‌السلام و اصحاب کرام‌اش رضوان‌الله‌علیهم‌اجمعین، آن‌چه را این‌ها انجام می‌دهند، انجام نداده است. چرا این همه تفاوت؟! این‌ها از چه کسی پیروی می‌کنند؟!

از فزیح‌ترین تناقضاتی‌که این‌ها در اعمال خویش به آن مواجه می‌باشند: با کفار روسیه پیمان دوستی داشته، به جنایاتی‌که در شام در حق مسلمانان مرتکب می‌شود، تبریکی می‌گویند، دخالت جنایت‌کارانه آن‌ها را در سوریه مشروع خوانده و از آن در این خصوص اظهار امتنان و این دخالت‌اش را نصرت حق می‌خوانند. عنقریب است که کشته‌های آن را شهید، صفت کرده و

از الله سبحانه و تعالی برای شان طلب آموزش نمایند؛ در حالی که دخالت دیگران را در سرزمین های اسلامی تجاوز می خوانند.  
این از افشاگری الله سبحانه و تعالی می باشد؛ اگر این ها عاقل باشند.

نویسنده: عبدالمؤمن الزیلعی

مترجم: علی مطمئن